

علم أصول الفقه

١٧-١١-٩٠ مبادئ مختص تصديقي ٤٥

دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

وحی، راهی مصون از خطا

- حال سؤال این است که آیا در وحی به عنوان یکی از طرق معرفت (البته طریق غیر عادی و غیر متعارف)، همچون طرق عادی معرفت، زمینه‌ی خطا و اشتباه وجود دارد؟ در پاسخ به این سؤال، جواب‌های متعددی می‌توان داد که این جواب‌ها به لحاظ میزان اتقان و استواری، و به لحاظ مقدماتی که نیاز دارند، با هم متفاوتند. در ذیل به این جواب‌ها که در واقع ادله‌ی مصونیت وحی از خطا نیز شمرده می‌شود، می‌پردازیم.

ادله‌ی مصونیت وحی از خطا

• ادله‌ی مصونیت وحی از خطا

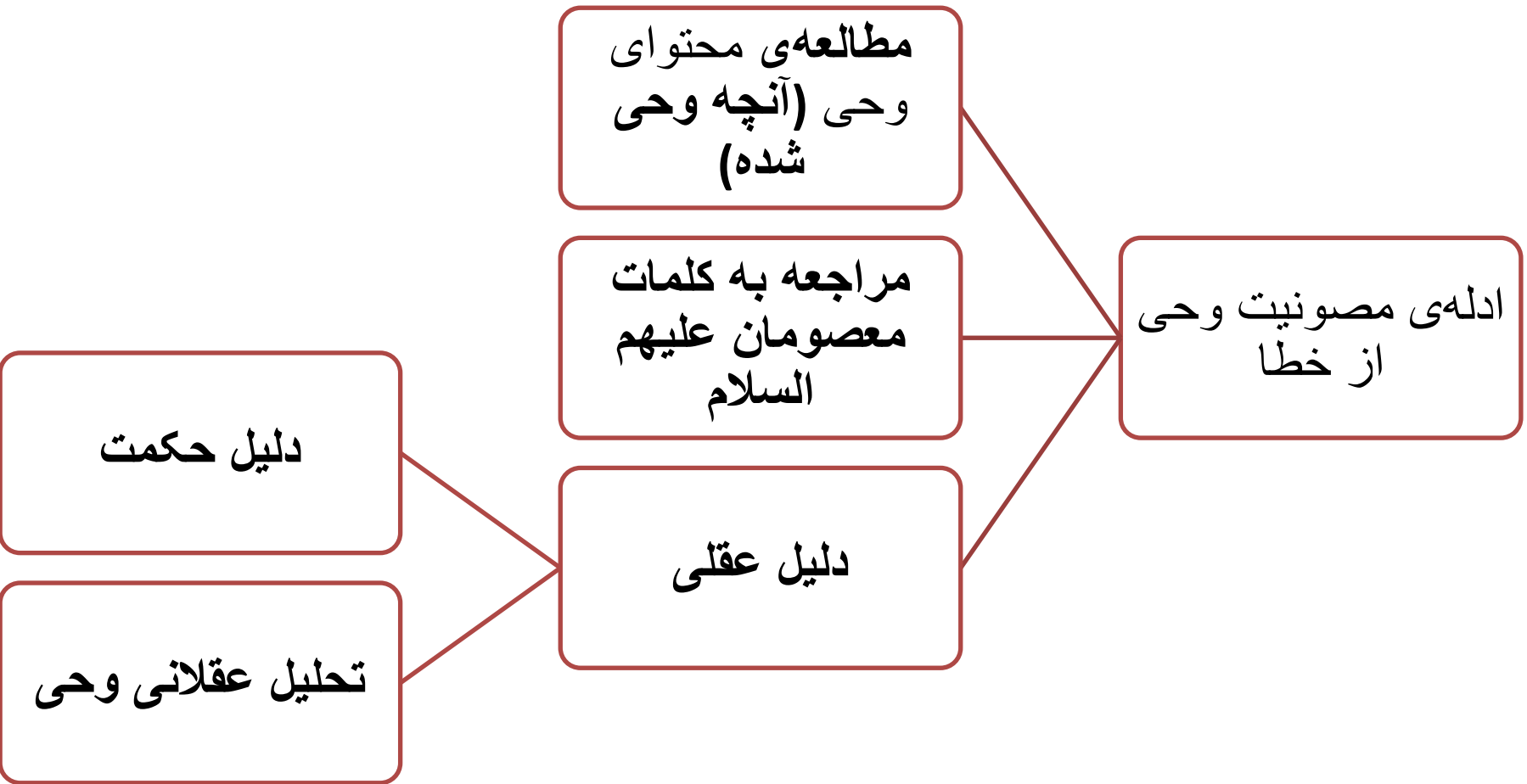
– مطالعه‌ی محتوای وحی (آنچه وحی شده)

– مراجعه به کلمات معصومان علیهم السلام

– دلیل عقلی

• دلیل حکمت

• تحلیل عقلانی وحی



ادله‌ی مصونیت وحی از خطا

- د. تحلیل عقلانی وحی: طریقی که می‌تواند امکان ذاتی خطا در وحی را اثبات نماید، از راه تحلیل و بررسی خود وحی به دست می‌آید. واقعاً خود وحی چیست؟ در هنگام وحی چه اتفاقی می‌افتد؟ برای پاسخ به این سؤال باید مقدمه‌ای را که در علوم دیگر همچون منطق مطرح شده و بحث ما بر آن توقف دارد، به صورت خلاصه بیان نماییم:

ادله‌ی مصونیت وحی از خطا

- می‌دانیم علم به دو قسم حضوری و حصولی تقسیم می‌شود. در علم حصولی صورتی از شیء و در علم حضوری خود معلوم نزد عالم حاضر است. خطا در علم حصولی امکان دارد؛ چرا که ممکن است صورت حاضر در نزد عالم بر صاحب صورت منطبق باشد و ممکن است منطبق نباشد. در صورت اول قضیه صادق و در صورت دوم قضیه کاذب خواهد بود. در واقع در علم حصولی یک حاکی وجود دارد و یک محکی؛ یک صورت و یک صاحب صورت و از آنجا که دوئیت وجود دارد، بحث تطابق و عدم تطابق معنادار است.

ادله‌ی مصونیت وحی از خطا

- امکان تطابق و عدم آن، حتی نسبت به قضایایی که یقیناً صادق و یا یقیناً کاذبند، نیز وجود دارد. چرا که در آنجا هم به هر حال دوئیت متصور است. از این رو، در تعریف خبر می‌گوییم: خبر یا قضیه آن چیزی است که احتمال صدق و کذب دارد. و تعریف شامل تمامی قضایای یقینی، مشکوک، مظنون و موهوم است و قضیه‌ای نیست که از این محدوده خارج باشد.

ادله‌ی مصونیت وحی از خطا

- به عبارت دیگر با وجود این که قضایای یقیناً صادق، حتماً مطابق با واقعند و قضایای یقیناً کاذب، حتماً مطابق با واقع نیستند، اما از آنجا که دو چیز یعنی صورت و صاحب صورت یا حاکی و محکی در آنها وجود دارد، احتمال صدق و کذب نیز در آنها متصور است. حتی قضایای بدیهی و ابده بدیهیات یعنی قضیه‌ی امتناع اجتماع و ارتفاع دو نقیض نیز از این قاعده مستثنی نیست. این قضایا مفهوم و صورت‌هایی هستند که از واقعیاتی حکایت می‌کنند و از آنجا که صورت و صاحب صورت وجود دارد، امکان ذاتی خطا در آنها هست و احتمال صدق و کذب دارند.

ادله‌ی مصونیت وحی از خطا

- امکان ذاتی خطا با تحقق شیء از بین نمی‌رود. یعنی در علم حصولی حتی اگر قضیه یقیناً صادق باشد، امکان ذاتی خطا وجود دارد، همچنان که در صورت کذب یقینی قضیه، امکان ذاتی صدق وجود دارد.

ادله‌ی مصونیت وحی از خطا

- بدیهی است در علم حصولی سخن از احتمال خطا است نه ضرورت خطا. بنابراین ممکن است اصلاً یک علم حصولی هیچ وقت مخالف واقع نباشد؛ چنانچه در قضایای یقیناً صادق و قضایای یقیناً کاذب اینچنین است. اگر قوه‌ی حس، خیال و عقل هر کدام در حوزه‌ی خویش درست عمل کنند، صورت‌های حاصل از آنها همیشه مطابق با واقع خواهد بود و دچار خطا نمی‌شود.
- با این بیان روشن می‌گردد که در علم حضوری اصلاً امکان خطا نیست. زیرا در این علم هیچ دوئیتی وجود ندارد؛ خود معلوم نزد عالم حاضر است.

ادله‌ی مصونیت وحی از خطا

- حال با توجه به این مقدمه جا دارد پرسیم: وحی از سنخ کدام علم است؟ آیا وحی از سنخ علم حضوری است یا از سنخ علم حصولی؟ در صورت اول امکان ذاتی خطا از بین می‌رود و وحی از خطا مبرا خواهد بود، اما در صورت دوم امکان ذاتی خطا وجود دارد.

ادله‌ی مصونیت وحی از خطا

- ادعا این است که وحی از سنخ علم حضوری می‌باشد و خود آنچه وحی می‌شود، بدون واسطه در نفس و روح پیامبر، ایجاد می‌گردد. همان طور که در بحث‌های کلامی «کلام و متکلم بودن» خداوند نیز به همین شکل تصویر می‌شود. البته نظرات مختلفی در مورد این صفت الهی ارایه شده است اما نهایتاً نظر صحیح این است که خداوند همان چیزی را که ما با ابزارهای خویش، دریافت می‌کنیم و صورتش را بعد از انتقالات در ذهن داریم، در روح شنونده‌ی او ایجاد می‌کند.

ادله‌ی مصونیت وحی از خطا

- در تکلم‌های بشری، متکلم با ابزارهای صوتی خویش، اصواتی را ایجاد می‌کند که باعث ارتعاش هوا می‌شود. هوای مرتعش شده به گوش شنونده می‌رسد و پرده‌ی گوش او را مرتعش می‌سازد. با رسیدن پیام این ارتعاش به مغز، امکان شنیدن صدای متکلم برای مخاطب فراهم می‌گردد و او صورتی از صدای متکلم را دریافت می‌کند. اما مخاطب، خود صدای متکلم را نمی‌یابد، بلکه فقط تصویر و صورتی از صدای متکلم را در نزد خود دارد که چون مطابق با واقع است، گویا خود آن را می‌یابد.

ادله‌ی مصونیت وحی از خطا

- در فرایند دیدن نیز بیننده مستقیماً علم به اشیای اطراف خود پیدا نمی‌کند. علم او به اشیای مرئی از طریق صورت‌هایی است که در ذهن وی وجود دارد. حتی اگر او اشیا را نیز لمس کند، صرفاً اطلاعاتی را کسب می‌نماید که از طریق لمس به او رسیده است و در واقع صورت ملموسی از آن شیء در اختیار او است.

ادله‌ی مصونیت وحی از خطا

- بنابراین برای بشر عادی فقط صورت‌های مشموم، مذوق، مسموع، مرئی و ملموس اشیا ممکن است و واقع آن اشیا از دسترس روح بشر خارج است. بشر از طریق واسطه با واقع مرتبط می‌شود و البته چون معمولاً به واسطه توجه ندارد گمان می‌کند که خود آن شیء را می‌بیند، یا می‌شنود، یا می‌بوید، یا می‌چشد، یا لمس می‌کند.
- ادراک بشر نسبت به صورت حضوری است اما ادراک او نسبت به صاحب صورت حصولی است. ادراک خود صورت، دیگر واسطه ندارد اما ادراک صاحب صورت از طریق صورت حاصل می‌شود.

ادله‌ی مصونیت وحی از خطا

- حال در یک گفتگوی عادی، متکلم معنایی را قصد می‌کند، سپس لفظی را برای آن معنا انتخاب می‌نماید و آن را بر زبان جاری می‌کند. شنونده آن لفظ را می‌شنود و صورتی از آن در ذهنش نقش می‌بندد و از آن به معنا منتقل می‌شود. در تمام این مراحل احتمال خطا از طرف متکلم یا مخاطب وجود دارد. ممکن است متکلم در انتخاب لفظ یا در تلفظ آن دچار خطا شود؛ همچنان که ممکن است شنونده در شنیدن یا در انتقال از لفظ به معنا مرتکب خطا شود. اما اگر متکلم این قدرت را داشته باشد که خود معنا را در ذهن مخاطب خلق و ایجاد نماید، خطا هم وجود ندارد.

ادله‌ی مصونیت وحی از خطا

- در موارد وحی خداوند آنچه را که وحی می‌شود به نفس پیامبری که به او وحی می‌رسد، ایجاد می‌کند. در واقع خداوند، خود لفظ (اگر وحی لفظ دارد) یا خود معنا و یا واقعیتی را که می‌خواهد به پیامبر خویش القا نماید، در نفس پیامبر ایجاد می‌کند و پیامبر با وساطت چیزی به لفظ یا معنا منتقل نمی‌شود.

ادله‌ی مصونیت وحی از خطا

- آن امر ایجاد شده حتی اگر لفظ هم باشد از سنخ مادی نیست؛ بلکه همان گونه که صورت لفظ برای بشر عادی به علم حضوری موجود است و امری مجرد به حساب می‌آید، آن لفظ یا آن معنای ایجاد شده نیز امری مجرد است و خود آنها در نزد پیامبر حاضر است. خداوند صوتی را در خارج ایجاد نمی‌کند تا پیامبر آن صوت را به علم حصولی دریافت نماید که اگر این گونه بود، احتمال خطا در وحی می‌رفت.